

میزان خشونت خانگی علیه زنان شهر خرم‌آباد در سال ۹۰-۸۹

محمد مظلوم خراسانی*

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

مجتبی میرزائی مهر

کارشناس ارشد علوم اجتماعی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد بود. از طریق پژوهش کمی و پیمایشی ۲۱۰ نفر زن مورد خشونت واقع شده با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. و داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شد. در چهارچوب نظری، از نظریه‌های نظارت اجتماعی، یادگیری اجتماعی، نظریه‌های نقش، نظریه رندل کالینز و ملوین تامین و نظریه منابع استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش، میزان خشونت خانگی در بازه (۱-۵) معادل ۳/۹۰ بوده که در حد بالا است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد که بین خشونت خانگی و ابعاد آن (روانی - کلامی، فیزیکی مستقیم و غیرمستقیم و خشونت اقتصادی - اجتماعی) با اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی رابطه مستقیم و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر رابطه معکوس وجود دارد. هم چنین براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیرهای اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار نقش، گرانباری نقش و پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر رابطه مستقیم و معنادار دارند و این در حالی است که براساس تحلیل مسیر، متغیرهای اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی بر خشونت خانگی تأثیر غیرمستقیم دارند.

واژگان کلیدی

خشونت خانگی؛ اقتدار شوهر؛ گرانباری نقش؛ نظیر ناسازگار از نقش؛ تجربه خشونت در کودکی؛ خانواده

* نویسنده مسئول

مقدمه

نهاد خانواده به ظاهر کوچک، اما از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین پایه‌های هر جامعه به حساب می‌آید. خانواده از سنت‌ها و ارزش‌های والا و مورد احترام حمایت و نگهداری می‌کند. خانواده از شالوده‌های استوار و پایدار مناسبات اجتماعی و پیوندهای خویشاوندی بهره‌مند است. خانواده محل بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی است. کانون خانواده می‌تواند در حفظ سلامت روانی و آرامش روحی افراد کارکرد بزرگی را ایفاء کند. به همین دلیل سازمان ملل سال ۱۹۹۴ را سال جهانی خانواده نامید. کانون خانواده می‌تواند کارکرد مثبت خود را بنا به دلایلی از دست بدهد و در معرض آسیب‌ها و انحراف‌ها قرار گیرد. خشونت خانگی آثار و نتایج ویران‌گری را بر پیکره این نهاد وارد کرده است و از نظر تاریخی، خشونت در خانواده به گذشته‌های بسیار دور بر می‌گردد، شاید بتوان اولین خشونت را در اسطوره‌های دینی همچون هابیل و قابیل بیان کرد (فوروارد، ۱۳۷۷: ص ۱۵).

با مطالعه تاریخ، شاهد خشونت آشکار و پنهان علیه اعضاء خانواده به‌ویژه زنان بوده‌ایم. بخشی از این خشونت در نتیجه فرهنگ و سنت جوامع شکل گرفته است و بخشی دیگر در نتیجه تداوم تبعیض علیه زنان در ساختار حقوقی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. چیزی که امروزه از آن تحت عنوان خشونت خانگی^۱ نام می‌برند. در واقع سوء رفتار یکی از اعضاء خانواده (اغلب مردان) بر یکی یا اعضاء دیگر خانواده اعمال می‌شود و این خشونت ابزاری برای تثبیت قدرت مردانه و سلطه‌جویی است. خشونت مردان علیه زنان در تمام ادوار تاریخی و در همه جوامع مشاهده شده است و بستگی به جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته ندارد. خشونت در خانواده به ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی منجر شده است و دارای ابعاد جهانی است. (آقایگلویی، ۱۳۷۹: ص ۷۷).

در سال ۲۰۱۰، در آمریکا، ۳۷/۵ درصد زنانی که قربانی خشونت شده‌اند، توسط شوهران خود به قتل رسیده‌اند (بولینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). به ۱۲/۸ درصد از زنان آسیایی و جزایر

1. Domestic Violence
2. Bowling



اقیانوس آرام، حداقل یک بار در طی زندگی آن‌ها تعرض شده است (پاتریسیا تچادن و نانسی تونس^۱، ۲۰۰۰). حتی مرگ و میر حاصل از سرطان یا ناشی از سوانح رانندگی در مقایسه با میزان مرگ و میر ناشی از خشونت علیه زنان کمتر بوده است (فروغان، ۱۳۸۰:ص ۶).

متأسفانه در ایران، به دلیل خصوصی بودن حریم خانواده، آمار دقیق راجع به خشونت خانگی وجود ندارد. استان لرستان دارای بافت فرهنگی عشایری است و مدت زیادی از شهرنشینی آن‌ها نمی‌گذرد و از یک طرف از ارزش‌های سنتی و اقتدارطلبانه حمایت می‌کنند و از سوی دیگر سبک زندگی شهری را خواستار هستند و این دوگانگی مشکلات زیادی از جمله کشمکش، نزاع، خشونت، طلاق و ... را به دنبال دارد. در نتایج پژوهشی که استانداری لرستان انجام داده، بیشترین علت خودکشی زنان، خشونت فیزیکی مردان علیه زنان ذکر شده است (طهماسبی، ۱۳۸۲:ص ۱). بسیاری از طلاق‌ها (۸۰/۳) درصد در نتیجه خشونت شوهران علیه زنان در سه شهر خرم‌آباد، بروجرد و الیگودرز بوده است و براساس آمار معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان لرستان در سال ۱۳۸۸، پرونده‌های مربوط به خشونت شوهران علیه زنان خود (ضرب و شتم) در شهر خرم‌آباد ۱۰۲۴۹ پرونده بوده است. موارد فوق خشونت علیه زنان را به عنوان یک مسأله اجتماعی با توجه به عواقب سوء آن مطرح می‌کند. مسأله اجتماعی حاصل روابط انسانی است و با زمینه‌های ارزشی پیوند دارد که روابط انسانی در درون آن جریان می‌یابد، این خود نشان دهنده ناسازگاری بنیادی بین استانداردهای اجتماعی مشترک با هنجارهای گروه مسلط جامعه و شرایط زندگی اجتماعی است، که خود جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند. مسأله اجتماعی هنگامی دیده می‌شود که ارزش‌ها و هنجارها تضعیف می‌شوند و برنامه‌های فرهنگی و قدرتی که جامعه برای تنظیم روابط متقابل افراد دارد با شکست مواجه شود و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر با مشکل مواجه می‌شود.

سلامت جامعه با سلامت خانواده پیوند دارد و خشونت خانگی به خانواده از هم گسیخته^۲ منجر می‌شود که نابسامانی خانوادگی را به دنبال خواهد داشت (اعزازی، ۱۳۸۰:ص ۹۵-۵۹). اهداف این پژوهش عبارت هستند از:

1. Patricia Tjaden & Nancy Thoennes
2. Broken home

- ۱- شناخت میزان خشونت خانگی در شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۸۹
- ۲- شناخت عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۸۹
- در جدول ۱ پژوهش‌هایی که در این زمینه خشونت علیه زنان انجام شده ارائه شده است.

جدول ۱: پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه خشونت علیه زنان

نام پژوهشگر و سال	نتایج
امیرمرادی ۱۳۷۵	بین افسردگی شدید، عزت نفس پایین، سن زوجین، وضعیت اقتصادی خانواده، تعداد فرزندان، پای‌بندی شوهر به رعایت اخلاق اسلامی با ضرب و شتم رابطه وجود دارد.
نازپرور ۱۳۷۶	سن قربانیان، زندگی با خانواده شوهر، عدم علاقه زن به ازدواج، خلافکار بودن مرد، تعدد زوجات مرد، مسائل اخلاقی تربیتی، دخالت دیگران و مشکلات اقتصادی با خشونت رابطه دارد.
اعزازی ۱۳۸۳	نیمی از زنان در هفته اول زندگی مشترک با خشونت فیزیکی مواجه می‌شوند. بین تجربه خشونت در کودکی و مقصر دانستن خود در اعمال خشونت توسط همسر رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد.
آقا بیگلویی و آقاجانی ۱۳۸۱	بین انحرافات اخلاقی شوهر، مشکلات اقتصادی، عدم تفاهم، دخالت اطرافیان، اختلافات فرهنگی و میزان خشونت رابطه وجود دارد.
غیائی و جوکار ۱۳۸۱	بین ویژگی‌های شخصیتی شوهر زن، اهمیت دادن یا ندادن به وضع ظاهری، داشتن یا نداشتن اعتیاد، بدبینی و بددهنی شوهر و عوامل مذهبی با خشونت رابطه دارد.
پورنقاش ۱۳۸۰	میزان همسرآزاری ۸۱/۷ درصد، سن زوجین، تحصیلات زن و مرد، درآمد ماهیانه، تجربه خشونت در کودکی، مصرف مواد مخدر و الکل تأثیر مثبتی بر همسرآزاری دارد.
بگرضایی ۱۳۸۱	بین تجربه خشونت در خانواده، پای‌بندی مرد به اعتقادات مذهبی، دخالت خویشاوندان همسر، بین علاقه‌مند بودن مرد به همسر، سوء ظن مرد نسبت به زن، ارتباط بین فرزندان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی مرد، اختلالات روانی و پرخاشگری مرد، تحصیلات زن و اعتیاد مرد به مواد مخدر و الکل با خشونت رابطه وجود دارد.



نام پژوهشگر و سال	نتایج
صابریان ۱۳۸۲	بین خشونت مالی با سطح تحصیلات زن و مرد، شغل همسر و سن ازدواج، خشونت فیزیکی با تحصیلات زن و شوهر و سن ازدواج زنان رابطه همبستگی مثبت وجود دارد.
مارابی ۱۳۸۴	میزان خشونت روانی ۹۸ درصد، خشونت اقتصادی ۸۱/۶ و خشونت فیزیکی ۹۵/۳ درصد است. یادگیری خشونت در کودکی، پدرسالاری، آشننگی خانواده، سن زنان، پایگاه اقتصادی اجتماعی مرد، شغل زوجین، شیوه انتخاب همسر، عکس العمل زنان در مقابل خشونت، شیوه های حل اختلاف با همسر و مرزهای بین اعضای خانواده تأثیر مثبت بر خشونت دارد.
صالحی ۱۳۸۴	علت خشونت را تحصیلات پائین ۵/۵۷، تجربه خشونت در کودکی ۵/۴۵، خشونت فیزیکی ۵/۶۶، قهر از خانه ۵/۴۳ ذکر کرده است.
لیاقت ۱۳۸۴	سهل انگاری در امور خانه داری، نرسیدن به تکالیف فرزندان، عدم تفاهم و نیاز مادی تأثیر مثبتی بر خشونت دارد.
احمدی ۱۳۸۵	ارتباط بین اعتیاد مرد با میزان خشونت با ضریب همبستگی ۵/۵۸، ارتباط وضعیت اقتصادی با میزان خشونت با ضریب همبستگی ۵/۶۶، ارتباط بین تعداد فرزندان با میزان خشونت ۵/۴۲ است.
بلایی میدی ۱۳۸۶	۲۶ درصد شیوع خشونت خانگی، ۶۷/۸ درصد خشونت روانی، ۵۵/۶ درصد خشونت جسمی، ۲۸/۶ درصد خشونت فیزیکی، ۳۴/۷ درصد خشونت اقتصادی است. بین تحصیلات مرد و زن، زندگی کردن زن با افراد خانواده شوهر، وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده و خشونت رابطه وجود دارد.
لهسایی زاده ۱۳۸۹	تعداد فرزندان، سن ازدواج شوهر، اختلاف سنی همسران، اعتقاد به کلیشه های جنسیتی، قومیت شوهر، خویشاوندی همسر، شغل شوهر با خشونت رابطه دارد. بیشترین ارتباط با خشونت به اعتقاد شوهر به کلیشه های جنسیتی به مقدار ۷۳ درصد تعلق دارد.

نام پژوهشگر و سال	نتایج
دل گراند و همکاران ۲۰۰۳	میزان شیوع خشونت ۱۷/۸ درصد، ۱۴/۱ درصد خشونت فیزیکی، ۱۸/۳ درصد خشونت روانی کلامی، بیشترین میزان خشونت در بین گروه سنی ۵۴-۳۴، شیوع خشونت تحت تأثیر تحصیلات پائین زن و مقدار درآمد خانواده قرار دارد.
هاموری و همکاران ۲۰۰۹	شیوع خشونت در میان زنان باردار ۱۱/۴ درصد، هم چنین ارتباط معنادار مستقیمی بین تجربیات قبلی خشونت زن و خشونت خانگی به میزان ۵۶/۹ درصد وجود دارد.
تولمن ۲۰۰۰	در این پژوهش ارتباط خشونت خانگی و رفاه خانواده بررسی شده که همگی به رابطه خشونت با اشتغال زنان تأکید می کنند.
انگ و همکاران ۲۰۱۰	ارتباط بین تجربه خشونت در کودکی و خشونت با ضریب همبستگی ۰/۲۲ در ۶۵/۴ درصد موارد خشونت روانی به خشونت فیزیکی منجر می شود، مصرف الکل توسط شوهر، ضرب و شتم شوهر در کودکی، میزان تحصیلات زن و مرد عوامل مؤثر بر خشونت خانگی هستند.
کایو و همکاران ۲۰۰۵	خشونت خانگی تحت تأثیر تجربه خشونت در کودکی، سن زنان، سطح تحصیلات، اشتغال زنان، تعداد فرزندان خانواده، مصرف مواد مخدر شوهر و هم چنین پایگاه اجتماعی شوهر قرار دارد.
النصور ۲۰۰۹	۸۷ درصد شیوع خشونت خانگی، ۴۸/۵ درصد خشونت عاطفی و روانی، ۱۴/۶ درصد ضرب و شتم خفیف ۱۲/۳ درصد ضرب و شتم شدید، هم چنین زنانی که سن آنها بالاتر و سطح تحصیلات آنها پائین تر است، اعتقاد به توجیه اعمال خشونت توسط شوهر خود دارند.
توکاس ۲۰۱۰	شیوع خشونت فیزیکی ۳۴ درصد، ۹۳ درصد خشونت روانی و کلامی، خشونت خانگی تحت تأثیر عوامل اجتماعی، بیکاری شوهر، ازدواج اجباری با اقوام، ارزش های مردسالار، فقدان استقلال مالی زن و فقدان قوانین اجتماعی دولتی قرار دارند.
فاولی ۲۰۰۸	شیوع خشونت در قبل از بارداری ۱۴/۲ درصد و در حین بارداری ۲/۳ درصد است. سطح تحصیلات پائین زن و مرد و اعتیاد به مصرف الکل توسط شوهر عوامل مؤثر بر خشونت است.
	خشونت: کلامی ۶۶/۲ درصد، ۱۰/۸ درصد استفاده از شلاق، سیلی زدن ۹/۵ درصد تهدید به خشونت ۶/۸ درصد. خشونت جنسی ۲/۷ درصد، ۶۵/۸ درصد خشونت توسط همسر و ۱۵/۸ درصد موارد توسط والدین شوهر بوده است.



مطالب جدول ۱ بیان‌کننده این موضوع است که پژوهش‌های خارجی بیشتر جنبه توصیفی و میزان و شیوع خشونت را بررسی و کمتر به علل و عوامل آن توجه کرده‌اند، اما پژوهش‌های داخلی بیشتر در سطح شهر تهران و با مراجعه به پزشکی قانونی به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کرده و اغلب پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی آن را بررسی کرده‌اند. در چارچوب نظری از نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا استفاده شده است که کودکان رفتار خشونت‌آمیز را یاد می‌گیرند و رفتارهای نامناسب برای کودکان الگوسازی می‌شوند. رفتار دیگران آموخته می‌شود و دوباره در بزرگسالی باز تولید می‌شود. در روند جامعه‌پذیری که در خانواده رخ می‌دهد، فرد با رفتار خشونت‌آمیز آشنا می‌شود (باندورا، ۱۳۷۲: ص ۱۰ و درویش‌پور، ۱۳۷۸: ص ۵).

نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی از دیگر نظریه‌هایی است که در این پژوهش از آن استفاده شد. این نظریه بیان می‌کند که چگونه در فرآیند اجتماعی شدن، کودکان نقش‌های جنسیتی را فرا می‌گیرند. دختران از همان ابتداء فرا می‌گیرند که نقش جنسیتی زن بزرگسال همراه با پذیرش فرودستی به مردان و دلبستگی به آن‌ها و اینکه زن برای دفاع از خود در مقابل خشونت امکانات محدودی دارد و برعکس پسران نقش مردان بزرگسال را فرا می‌گیرند و متوجه می‌شوند که مردان برتر از زنان هستند و به خاطر رسیدن به امیال خود، دیگران را تحت نظارت قرار دهند (ریترز، ۱۳۸۲: ص ۴۹۹). در نتیجه خانواده‌گرایش‌های جنسیت زن و مرد را در افراد درونی می‌کند و به افراد انتقال می‌دهد. دختر می‌آموزد که اعمال خشونت از شوهر بخشی از قواعد زندگی است و باید بپذیرد و پسر اعمال خشونت و توسل به زور را به عنوان ارزش مثبت تلقی می‌کند. در نظریه نظارت اجتماعی توجه به سازوکارهای نظارت اجتماعی به مثابه مانعی در سر راه وقوع جرم و جنایت و هم‌چنین اقتدار و خشونت در خانواده ذکر شده است، به علت خصوصی بودن خانواده، خشونت خانوادگی اعلام نمی‌شود. گلز و اشتراوس چنین بیان می‌کنند «هم‌زمان با بالا رفتن دیواره‌های یک خانه و جدا شدن آن از سایر خانه‌ها، کتک شروع می‌شود» (اعزاز، ۱۳۸۳: ص ۴۷).

یعنی نظارت به خانواده سپرده شده است و معمولاً پدر خانواده در جهت حفظ نظم و اعتدال در خانه اعمال قدرت و خشونت می‌کند.

در باب خشونت علیه زنان، نظریات فمینیستی با انواع‌گرایش‌های آن، دامنه وسیع و

گسترده‌ای دارد و خشونت نسبت به زنان را به عنوان جنس دارای جایگاه پائین نسبت به مردان بررسی کرده و خشونت جنسی و فیزیکی همسر را محکوم کرده‌اند. متأخرین هرگونه ایجاد رعب و وحشت را برای زنان از طریق شوهران آن‌ها خشونت دانسته‌اند (والاس، ۱۳۸۰: ص ۲۳۳). به اعتقاد آن‌ها تسلط و انقیاد بنیادی‌ترین ساختار ستمگری جنسیتی محسوب می‌شوند و پدرسالاری را مهم‌ترین ساختار نابرابری اجتماعی می‌دانند (ریتزر، ۱۳۸۲: ص ۴۸۹). هم‌چنین تجدیدنظر در روابط قدرت مالی و تصمیم‌گیری بین زن و مرد در نظام پدرسالار باید از اولویت برخوردار باشد. در نظریه ویلیام گود منابع مالی اقتدار ایجاد می‌کند و وابستگی زن به شوهر را فراهم می‌کند، منابعی چون تحصیلات، شغل، درآمد، مهارت و اطلاعات باعث ایجاد قدرت می‌شود و دیگران را به قبول نظریات صاحب منابع وادار می‌کند. منابع قدرت یکی از عوامل مهم خشونت علیه زنان محسوب می‌شود.

در نظریات کالینز به ساختارهای اجتماعی توجه شده است. در نظریه کشمکش کالینز مبتنی بر قشر بندی، باید مراتب مادی تأثیرگذار بر کنش متقابل را بررسی کرد.

متغیر عمده منابعی است که کنشگران در اختیار دارند که می‌توانند در برابر فشارهای مادی مقاومت و حتی آن را دگرگون کنند. کالینز معتقد است که خانواده عرصه کشمکش جنسی است و مردان همیشه پیروز بوده‌اند و در نتیجه زنان تحت سلطه مردان و رفتارهای نابرابر قرار گرفته‌اند (ریتزر، ۱۳۸۲: ص ۱۳۵-۱۳۲) برای مثال در سطح خانواده، شوهری که از منابع اطلاعات، درآمد، شغل و غیره بهره‌مند است، نوع رفتار او با اعضاء خانواده خود در مقایسه با مرد دارای منابع کمتر، متفاوت است. ملوین تامین معتقد است: اقشار مختلف در شیوه‌های تربیتی فرزندان، تصورات گوناگونی از دنیا را دارند و این تفاوت‌های محسوس را در بعد اعتقادی، عادات و آمادگی ذهنی برای عمل در میان افراد به وجود می‌آورد (تامین، ۱۳۷۳: ص ۱۳۵). بنابراین، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد تصور آن‌ها را از وقایع شکل می‌دهد. فشارهای مادی و کشمکش‌ها که بر افراد تحمیل می‌شود، متأثر از پایگاه و میزان منابع است که در اختیار آنهاست. کالینز افکار و اعمال افراد را متأثر از شرایط مادی می‌داند و افرادی که منابع کمتری دارند، بیشتر از سایرین تحت تأثیر محیط مادی قرار می‌گیرند و بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر و خشونت خانگی رابطه‌ای وجود دارد.

در باره نظریه نقش اجتماعی از نظریات دارندورف و گافمن استفاده شده است، افراد



نقش‌های متعددی دارند که در زندگی روزانه به ایفای این نقش‌ها اقدام می‌کنند. در زندگی امروز صنعتی به تعداد نقش‌ها افزوده شده و از پیامدهای چندگانه نقش اجتماعی این است که تعدد روابط با دیگران منبع فشار روانی و ناپایداری اجتماعی را به دنبال دارد (امیر رستگار، ۱۳۸۴: ص ۱۲۸).

در زمانی که بین هویت بالقوه و بالفعل اجتماعی شکاف ایجاد شود، فرد بنا به گفته گافمن داغ خورده است (صدرنوی، ۱۳۷۰: ص ۴۱۶). در این موقعیت است که سنگین بودن وظایف یک موقعیت باعث ناهماهنگی بین نظام اجتماعی و ارگانیزم می‌شود و گرانباری نقش را به وجود می‌آورد.

در باره نقش پارسونز معتقد است که بازیگر نقش تفسیر اشتباهی از نقش خود دارد که این خود باعث تفسیر ناسازگاری نقش می‌شود. در نظام خانواده تفسیر ناسازگار از نقش منشأ نزاع می‌شود. زمانی که شوهر وظایف زن را تعریف کند و ناسازگاری از نقش زن خانواده را دچار بی‌تعادلی خواهد کرد. هر یک از زنان و شوهران براساس اختیار و آزادی برای نقش‌های خود تفسیر و تعریفی دارند و این تعاریف و تعبیر در مقابل هم قرار می‌گیرد و تضاد و نزاع و خشونت به بار می‌آورد.

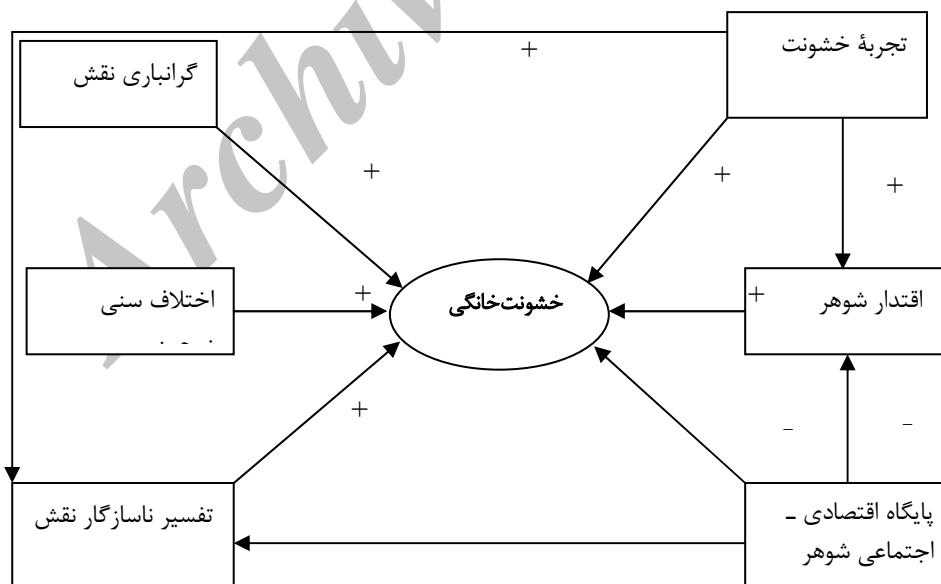
تفاوت سنی بین زوجین بنا به عقیده کارلسون، تفاوت‌های فرهنگی و جهان بینی را به همراه خواهد آورد و بر تداوم زندگی مشترک و ایجاد کشمکش و خشونت تأثیرگذار است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۵۳).

فرضیه‌های پژوهش

۱. اقتدار شوهر در خانه اثر مثبت بر میزان خشونت خانگی دارد. (برگرفته از نظریه کالینز)
۲. تفسیر نادرست از نقش اثر مثبت بر میزان خشونت خانگی دارد. (برگرفته از نظریه دارندورف، گافمن)
۳. تجربه خشونت در دوران کودکی توسط زن اثر مثبت بر میزان خشونت خانگی دارد (برگرفته از نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی)
۴. پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر اثر منفی بر میزان خشونت خانگی دارد (برگرفته از نظریه تامین، ویلیام گود)

۵. گرانباری نقش زن اثر مثبت بر میزان خشونت خانگی دارد. (برگرفته از نظریه گافمن)
۶. اختلاف سنی زوجین اثر مثبت بر میزان خشونت خانگی دارد. (برگرفته از نظریه کارلسون)
۷. پایگاه اقتصادی اجتماعی - شوهر اثر منفی بر میزان خشونت خانگی دارد. (برگرفته از نظریه تامین، ویلیام گود)
۸. پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر اثر منفی بر تفسیر ناسازگار نقش دارد. (برگرفته از نظریه پارسونز)
۹. با افزایش اختلاف سنی زوجین، تفسیر ناسازگار نقش افزایش می‌یابد. (برگرفته از نظریه کارلسون)
۱۰. با افزایش تجربه خشونت در کودکی تفسیر ناسازگار نقش افزایش می‌یابد. (برگرفته از نظریه باندورا)
۱۱. با افزایش تجربه خشونت در کودکی، اقتدار نیز افزایش می‌یابد. (برگرفته از نظریه باندورا)

مدل نظری پژوهش





روش

روش پژوهش پیمایشی و مقطعی است، ابزار گردآوری اطلاعات تکنیک مصاحبه در قالب پرسش‌نامه بوده است.

جامعه آماری زنان خشونت دیده مراجعه کننده به کلانتری‌ها، شوراهای حل اختلاف و مراکز بهزیستی خرم‌آباد در سال ۱۳۸۸ هستند. با استفاده از آمار معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان لرستان، روابط عمومی دادگستری استان لرستان و روابط عمومی اداره کل بهزیستی استان از تعداد مراجعه کنندگان به این سازمان‌ها تعداد زنانی که مورد خشونت واقع شده‌اند به ترتیب ۱۰۲۴۹، ۸۷۹۴ و ۱۲۵۳ نفر بوده‌اند.

روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای است. حجم نمونه با استفاده از اطلاعات به دست آمده از سه سازمان مورد مراجعه محاسبه شده است، مقدار t در سطح $0/095$ معادل $1/96$ است. دقت احتمالی $d=0/08$ بود که مقدار خطا در دامنه (۱۲۵-۲۵) برابر با $0/08 \neq$ است.

$$\frac{1/96^2 \times 0/35}{0/08^2} = 210$$

با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۲۱۰ نفر است. و سهم حجم نمونه هر اداره از کل نمونه، تعداد نمونه در داخل هر طبقه با سهم آن طبقه در جامعه آماری از فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$n_1 = \frac{N_1}{N} \times n$$

با توجه به فرمول بالا حجم نمونه جامعه آماری در سازمان‌های مختلف به شرح زیر است:

جدول ۲: حجم جامعه آماری به تفکیک سازمان‌ها و ادارات

سازمان‌ها	جامعه آماری	حجم نمونه
کلانتری‌های سطح شهر	۱۰۲۴۹	۱۰۶
شوراهای حل اختلاف	۸۷۹۴	۹۱
مراکز بهزیستی	۱۲۵۳	۱۳
جمع	۲۰۲۹۶	۲۱۰

جدول ۳: عملی‌سازی خشونت خانگی یا متغیر وابسته

گویه‌ها

الفاظ رکبک، داد و فریاد، بی احترامی، تهدید به آزار، شکایت به دادگاه، تهدید به طلاق، اتهام به مسائل ناموسی، بیگاری کشیدن

بعد از زاری کلامی

شکستن اسباب و اثاثیه، از بین بردن مدارک و یادگاری‌ها و عکس‌ها، تصاحب و مخفی کردن مدارک، اخراج یا زندانی کردن درخانه

بعد از فیزیکی غیر مستقیم

خشونت فیزیکی و جسمی منجر به جراحت

بعد از فیزیکی مستقیم

ایجاد محدودیت در ارتباط با اقوام به هر نوع و وادار کردن به امور خلاف شرع و عرف، جلوگیری از کار و ایجاد مضیقه مالی به هر شکل

بعد اقتصادی - اجتماعی

خشونت خانگی

در این قسمت از متغیرهای مستقل تعاریف نظری و عملی ارائه شده است. **خشونت**: ساده‌ترین تعریف خشونت عملی این است که به دیگران آسیب برساند، البته این آسیب به شیوه‌ها و اشکال مختلف از قبیل آزارهای روانی نظیر، تحقیر، توهین و فحاشی نیز باشد و آسیب‌های جسمانی را هم شامل شود. خشونت به معنای وسیع کلمه به هر نوع سوء استفاده از قدرت یا اعمال فشار اطلاق می‌شود، برای مثال عصیان نوعی انعکاس در برابر قدرت است که جامعه نسبت به گروه‌های



محروم اعمال می‌کند و به معنای بدرفتاری، ضرب و جرح و آسیب‌های اجتماعی همراه با فحاشی و توهین همراه باشد (ستوده، ۱۳۷۲:ص ۲۰۵).

خشونت رفتاری برای صدمه رسانیدن به دیگران و شامل تحقیر و توهین و ضرب و جرح، تخریب اموال و دارایی و قتل ... است.

خشونت باعث احساس ناامنی برای دیگران به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر و ضعیف مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان و گروه‌های اقلیت که قربانیان نابرابری اجتماعی می‌شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳:ص ۵۶).

به اعتقاد توکاس^۱ خشونت منجر به صدمات فیزیکی، جنسی یا روانی نسبت به زنان می‌شود (توکاس، ۲۰۱۰:ص ۱۰۲۴) کایتانو^۲ رفتارهای تهاجمی یا اجباری را که بزرگسالان نسبت به همسران خود به کار می‌برند، خشونت تعریف کرده است (کایتانو، ۲۰۰۹:ص ۱۳۱۸). حسنی هرگونه درگیری فیزیکی اعم از کتک‌کاری، هل دادن و غیره را خشونت فیزیکی تعریف کرده است (حسنی، ۱۳۸۸:ص ۴۶).

استفاده از قدرت به طور مستقیم و غیرمستقیم از جانب شوهر برای دسترسی به خواسته‌های خود به‌رغم میل باطنی همسر را خشونت خانگی علیه زنان می‌دانند (جسمانی، ۱۳۸۹:ص ۵۱).

خشونت روانی به فحاشی، داد زدن، قهر کردن، توهین کردن و هرگونه رفتاری گفته می‌شود که فقدان امنیت روانی را موجب شود (گیویان، ۱۳۸۹:ص ۶۵).

در نهایت خشونت سوء رفتار فیزیکی، جنسی و روانی است که یکی از زوجین علیه دیگری اعمال می‌کند که در اکثر موارد از طرف مردان علیه زنان دیده شده است و دارای ابعاد فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، جنسی و روانی عاطفی است.

اقتدار: در خانواده گسترده تمرکز قدرت در دست پدر و انتقال آن به پسر ارشد با توجه به سلسله مراتب (سنی - جنسی) است (اعزازی، ۱۳۸۷، ۲۵). این نوع خانواده بیشتر قبل از توسعه سرمایه‌داری صنعتی در زندگی عشایری و روستایی مشاهده شده است.

تعاملات اجتماعی یا در جهت وفاق و پیوستگی است یا به صورت گسسته و مقابله‌ای

1. Tokuc
2. Caetano

است که به رقابت و خشونت منجر می‌شود. ماکس وبر قدرت را عبارت از این می‌داند که احتمال این که فرد در تعاملات اجتماعی توانایی داشته باشد که اراده خود را در راستای اهداف عملی صرف‌نظر از هر نوع مقاومتی اعمال کند (آبرکرامبی، ۱۳۷۴:ص ۲۹۶). مطالعات فرانسه و آمریکا نشان می‌دهد که با ادامه ازدواج خشنودی کاهش می‌یابد و رضایت و سازگاری کم می‌شود (آندره، ۱۳۵۴:ص ۲۰۲). البته، در مقابل نظریه فوق نظریه‌ای دیگر وجود دارد: هر چقدر اعضاء با هم تماس طولانی‌تری داشته باشند، توافق آن‌ها بیشتر خواهد شد و موقعی که به حد بالایی برسد، احساس رضایت بیشتری می‌کنند (روش بلا و اسپنله، ۱۳۷۲:ص ۲۱۷).

روابط بین خشونت علیه زن و تفاوت سنی به نوع جامعه و فرهنگ آن بستگی دارد، در بعضی از جوامع همسان همسری^۱ سن به توافق و موفقیت در زندگی کمک کرده است، اما در بعضی از جوامع ناهمسان همسری^۲ سنی، زن به اقتدار شوهر گردن می‌نهد. بیشتر بودن سن مرد نسبت به زن توزیع نابرابر قدرت و در نهایت خشونت را فراهم می‌کند. در این پژوهش منظور از اقتدار، قدرتی است که مرد خواسته‌های خود را به‌رغم میل باطنی همسر خود در جهت پیشبرد امیال خود تحمیل می‌کنند.

گرانباری نقش: یعنی این که وظایفی که بر عهده شخص احراز کننده یک موقعیت است از توانایی جسمی او فراتر باشد و شخص در ایفای آن احساس ناتوانی کند.

تفسیر ناسازگار نقش: یکی از ویژگی‌های نقش اجتماعی تفسیرپذیری آن است. تفسیرپذیری به این معنی است که هنگامی شکل دهنده به‌گونه‌ای است که «هرگز در واقعیت با چنان درجه‌ای از صراحت و دقت تعریف نشده‌اند که جا برای هیچ‌گونه تعبیر و تفسیر نمی‌گذارند (بودون، ۱۳۷۷:ص ۷۶). در صورتی که نقش‌ها از دامنه تعبیرپذیری یا همان تفسیرپذیری بهره‌مند هستند، اما همیشه تفسیر نقش به‌طور ناسازگار انجام نمی‌شود؛ هرگاه از نقش‌های یک نظام اجتماعی تفسیر ناسازگار صورت گیرد. یک شکل ساختاری و یک فقدان تعادل به‌وجود می‌آید.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی موقعیتی است که فرد در ساختار اجتماعی جامعه خود به‌دست

1. Hemogamy
2. Hetrogamy



می‌آورد و به سه دسته بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌شود (بیرو، ۱۳۷۷:ص ۴۲۵).
 برای سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دانکن و پاورز ۳ متغیر درآمد، منزلت شغلی و تحصیلات را به عنوان متغیرهای شاخص پایگاه اجتماعی اقتصادی پیشنهاد کرده‌اند (میلر، ۱۳۸۰:ص ۳۸۴).

جدول زیر عملی‌سازی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: عملی‌سازی متغیرهای مستقل

گویه‌ها	
اقتدار	اقتدار و تصمیم‌گیری و قلدری شوهر در تمام زمینه‌ها
گرانی‌های نقش	خستگی شدید از کارهای زیاد، کم‌آوردن وقت، زحمت کشیدن برای اعضای خانواده
تجربه‌خشونت	تبعیض و تجربه خشونت جسمانی و آثار آن و خاطرات تلخ دوران کودکی
تفسیر نامناسب کار از نقش	وظایف زن: پخت و پز، نظافت، شیر دادن، اطلاع‌رسانی کلیه امور به شوهر، اطاعت از تصمیم شوهر درباره رفت و آمد با دیگران

اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار یا روایی پژوهش از اعتبار صوری استفاده شد و برای قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه و در واقع هماهنگی بین گویه‌هایی که برای سنجش سازه‌های مورد نظر ساخته شده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جداول زیر پایایی متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۵: روایی سازه‌های متغیرهای مستقل

ردیف	نام سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	اقتدار	۵	۰/۸۵
۲	گرانباری نقش	۶	۰/۵۷
۳	تفسیر ناسازگاری نقش زن	۸	۰/۵۹
۴	تفسیر ناسازگاری نقش مرد	۸	۰/۸۲
۵	تجربه خشونت در کودکی	۵	۰/۵۲

جدول ۶: آلفای کرونباخ متغیر وابسته و ابعاد آن

ردیف	نام سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	بعد خشونت روانی کلامی	۹	۰/۷۷
۲	بعد خشونت فیزیکی غیرمستقیم	۵	۰/۴۹
۳	بعد خشونت فیزیکی مستقیم	۴	۰/۷۵
۴	خشونت اجتماعی - اقتصادی	۷	۰/۷۲
۵	خشونت خانگی	۲۵	۰/۸۴

- برای توضیح بیشتر تفسیر ضرایب آلفای کرونباخ به‌ویژه متغیرهایی که ضریب آن‌ها کمتر از ۰/۷ است (به پیوست مقاله مراجعه شود).



تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

براساس نتایج سطح سواد ۲/۴ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۷/۶ درصد در حد ابتدایی و راهنمایی، ۶۸/۶ درصد در حد متوسطه و دیپلم، ۱۰ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱/۴ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر بود. شغل پاسخگویان ۷۹/۵ درصد خانه‌دار، ۱۵/۲ درصد شغل آزاد، ۵/۳ درصد کارمند گزارش شده است.

ضرائب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته:

بین متغیرهای اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، تجربه خشونت در کودکی و اختلاف سن زوجین با متغیر وابسته خشونت خانگی و ابعاد آن رابطه مستقیم وجود دارد. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر با تمامی ابعاد خشونت خانگی رابطه همبستگی معکوس وجود دارد.

جدول زیر ضرائب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۷: ضریب همبستگی متغیر وابسته با مستقل

وابسته	نوع همبستگی	خشونت خانگی	بعد روانی کلامی	بعد فیزیکی مستقیم	بعد فیزیکی غیرمستقیم	بعد اقتصادی - اجتماعی
اقتدار	پیرسون	۰/۸۰ (**)	۰/۷۱ (**)	۰/۶۵ (**)	۰/۵۸ (**)	۰/۵۹ (**)
تفسیر ناسازگار	پیرسون	۰/۶۷ (**)	۰/۶۱ (**)	۰/۳۱ (**)	۰/۲۵ (**)	۰/۲۹ (**)
گرانباری نقش	پیرسون	۰/۵۸ (**)	۰/۵۴ (**)	۰/۴۰ (**)	۰/۱۶ (**)	۰/۲۴ (**)
تجربه خشونت	پیرسون	۰/۶۸ (**)	۰/۶۹ (**)	۰/۳۸ (**)	۰/۳۰ (**)	۰/۲۹ (**)
اختلاف سن	پیرسون	۰/۴۹ (**)	۰/۴۲ (**)	۰/۳۲ (**)	۰/۲۵ (**)	۰/۲۷ (**)
پایگاه شوهر	پیرسون	-۰/۴۳ (**)	-۰/۳۴ (**)	-۰/۳۶ (**)	-۰/۲۸ (**)	-۰/۳۰ (**)

(**) معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

جدول زیر همبستگی بین متغیرهای مستقل را با یکدیگر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد. بین متغیرهای مستقل رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، به جز متغیرهای اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، متغیر گرانباری نقش و تجربه خشونت در کودکی با متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه همبستگی وجود ندارد.

بین متغیر اختلاف سنی زوجین و متغیر گرانباری نقش رابطه همبستگی مثبت خطی و هم جهت وجود دارد. یعنی با افزایش اختلاف سنی زوجین، متغیر گرانباری نقش افزایش می‌یابد و برعکس. بین متغیر تجربه خشونت در کودکی و اختلاف سنی زوجین رابطه همبستگی با ضریب ۰/۵۲ و مستقیم است. ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه همبستگی بین متغیر اختلاف سنی زوجین و متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر برابر با ۰/۳۶- و معکوس است.

جدول ۸: ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل

اقتدار شوهر	تفسیر ناسازگار نقش	گرانباری نقش	تجربه خشونت در کودکی	پایگاه اقتصادی اجتماعی شوهر	اختلاف سن زوجین
۱					
۰/۵۹**	۱				
۰/۵۷**	۰/۴۶**	۱			
۰/۶۸**	۰/۷۳**	۰/۵۷**	۱		
۰/۳۵**	۰/۳۵**	۰/۰۲	۰/۱۳-	۱	
۰/۵۰**	۰/۵۱**	۰/۳۸**	۰/۵۲**	۰/۳۶**	۱

** معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد

تحلیل رگرسیون چند متغیره

طبق نتایج به دست آمده از تحلیل جدول زیر، اقتدار شوهر مهم ترین متغیر مؤثر بر خشونت خانگی است. در اولین گام این متغیر ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تعیین می‌کند.



ضریب تأثیر اقتدار شوهر در گام دوم و در کنار تفسیر ناسازگار از نقش کاهش پیدا کرده است. این دو متغیر با هم ۷۱ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در گام سوم متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر به دو متغیر اقتدار و تفسیر ناسازگار با هم ۷۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و در گام آخر متغیرهای اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، پایگاه شوهر و گرانباری نقش در مدل رگرسیونی باقی مانده‌اند که در مجموع این چهار متغیر ۷۴ درصد از متغیر وابسته یعنی خشونت خانگی را تبیین می‌کنند.

به‌طور کلی متغیر خشونت خانگی از چهار متغیر مهم اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر و گرانباری نقش تأثیر مستقیم می‌پذیرد. در حالی که دو متغیر اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی تحت تأثیر این چهار متغیر بوده و تأثیری مستقیم بر خشونت خانگی ندارند، اما در تحلیل مسیر دو متغیر اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی تأثیر غیرمستقیم بر خشونت خانگی دارند.

جدول زیر ضرایب رگرسیون چندگانه را با متغیر وابسته خشونت خانگی نشان می‌دهد.

جدول ۹: ضرایب رگرسیون چندگانه؛ متغیر وابسته: خشونت خانگی

متغیر	B	β	t	سطح معناداری	R square
اقتدار شوهر	۰/۴۷	۰/۵۰	۱۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۶۵
تفسیر ناسازگار از نقش	۰/۰۷	۰/۲۳	۵/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۷۱
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-۰/۱۲	-۰/۱۸	-۴/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲
گرانباری نقش	۰/۳۱	۰/۱۸	۴/۱۰	۰/۰۰۰	۰/۷۴

Method: Stepwise R = ۰/۸۶ R square = ۰/۷۴ Adjusted R² = ۰/۷۴ sig = ۰/۰۰۰

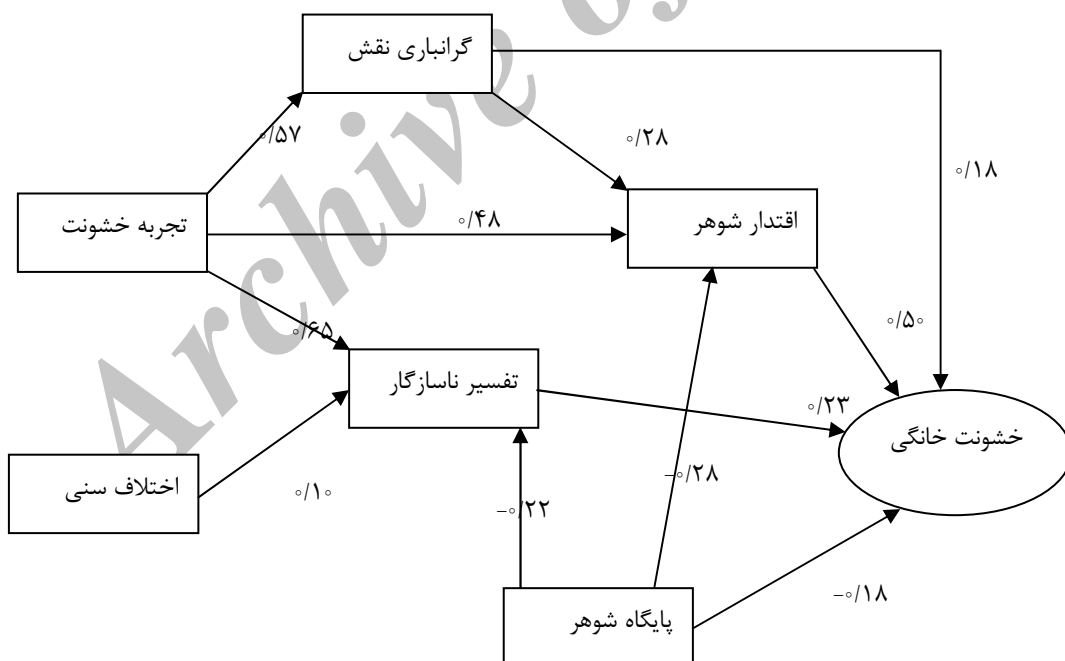
تحلیل مسیر

با تکنیک تحلیل مسیر از اثرات مستقیم و غیرمستقیم و بی‌اثری متغیرهای موجود در نظام علی استفاده می‌شود (ساعی، ۱۳۸۱: ص ۱۹۳). لذا تحلیل مسیر برای دسترسی به اثرات غیرمستقیم متغیرها در نظر گرفته می‌شود که تفاوت با رگرسیون چند متغیره را باعث می‌شود. در گام اول متغیرهای مستقل با متغیر وابسته خشونت خانگی وارد تحلیل می‌شوند و متغیرهای اقتدار شوهر در خانه، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش و پایگاه اقتصادی اجتماعی شوهر

سطح معناداری مقبول و رابطه‌ای مستقیم با متغیر وابسته دارند. و در مدل باقی می‌مانند. در گام دوم متغیر اقتدار شوهر با بیشترین ضریب بتا به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و دیگر متغیرهای مستقل در ارتباط گذاشته می‌شوند و متغیرهای تجربه خشونت در کودکی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر و گرانباری نقش رابطه‌ای مستقیم و معناداری با اقتدار شوهر دارند.

در گام سوم متغیر ناسازگاری از نقش که دومین ضریب بتا را داشته است به عنوان متغیر وابسته قرار می‌گیرد و سه متغیر تجربه خشونت در کودکی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر و اختلاف سنی زوجین با متغیر وابسته رابطه مستقیم و معناداری دارند.

در گام چهارم متغیر گرانباری نقش که دارای سومین ضریب بتا بوده است، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه تجربه خشونت در کودکی با این متغیر گرانباری نقش رابطه‌ای مستقیم و معنادار دارد.



نمودار ۱: تحلیل مسیر و ضرائب مستقیم و غیرمستقیم تحلیل مسیر



جدول ۱۰: ضرایب مستقیم و غیرمستقیم تحلیل مسیر

متغیر مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
اقتدار	۰/۵۰	-	۰/۵۰
گرانباری نقش	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۳۲
تجربه خشونت	-	۰/۴۸	۰/۴۸
تفسیر ناسازگار نقش	۰/۲۳	-	۰/۲۳
اختلاف سنی	-	۰/۰۲	۰/۰۲
پایگاه شوهر	-۰/۱۸	-۰/۱۹	۰/۳۷

بحث و نتیجه گیری

دامنه تغییرات سن پاسخگویان ۴۵-۱۸ سال که کمترین ۱۸ و بیشترین سن پاسخگویان ۴۵ سال و میانگین سن پاسخگویان ۲۸/۳ بود. میزان خشونت خانگی در بین پاسخگویان با میانگین ۳/۹۰ در حد بالا است. میانگین ابعاد خشونت روانی کلامی، خشونت فیزیکی مستقیم و غیرمستقیم و بعد خشونت اقتصادی - اجتماعی به ترتیب ۳/۹۱، ۳/۵۴، ۳/۶۰، ۳/۴۹ در حد بالا بود و معنادار بودن آزمون t این ادعا را تأیید می‌کند. متغیرهای مستقل پژوهش عبارت هستند از: اقتدار شوهر در خانه، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، تجربه خشونت در کودکی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر و اختلاف سنی زوجین، میانگین اقتدار شوهر در خانه پاسخگویان ۴/۰۶ در بازه (۱-۵) و این میزان اقتدار در حد بالایی است. میانگین تفسیر ناسازگار از نقش برابر با ۷/۴ در بازه (۱-۲) و در حد بالایی است. میانگین گرانباری نقش در بازه (۱-۵) برابر با ۴/۰۲ است که بالا بودن را نشان می‌دهد. میانگین تجربه خشونت در کودکی با ۳/۹۶ در بازه (۱-۵) و در حد بالایی است.

آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان از همبستگی بین متغیرهای اقتدار شوهر در خانه (۰/۸۰)، تفسیر ناسازگار از نقش (۰/۶۷)، گرانباری نقش (۰/۵۸)، تجربه خشونت در کودکی (۰/۶۸) پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر (۰/۴۳-)، اختلاف سنی زوجین (۰/۴۹) را با متغیر وابسته بیان می‌کند. هم‌چنین در رابطه با آزمون فرضیات پژوهش و سنجش

معناداری رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نتایج زیر به دست آمد:

یعنی بین اقتدار شوهر در خانه و خشونت خانگی رابطه مستقیم وجود دارد. بین تفسیر ناسازگار از نقش و خشونت خانگی رابطه مستقیم وجود دارد. بین تجربه خشونت در کودکی و خشونت خانگی رابطه‌ای وجود ندارد. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر با خشونت خانگی رابطه معکوس وجود دارد.

بین اختلاف سن زوجین و خشونت خانگی رابطه‌ای مشاهده نشد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر اثر معکوس بر اقتدار شوهر دارد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر اثر معکوس بر تفسیر ناسازگار از نقش دارد. اختلاف سنی زوجین اثر مستقیم بر تفسیر ناسازگار از نقش دارد. تجربه خشونت در کودکی اثر مستقیم بر تفسیر ناسازگار از نقش دارد. در تحلیل مسیر متغیرهای اقتدار شوهر، پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش و گرانباری نقش تأثیر مستقیم و متغیرهای تجربه خشونت در کودکی و اختلاف سنی به صورت غیرمستقیم و هم چنین دو متغیر گرانباری نقش و پایگاه شوهر علاوه بر اثر مستقیم، اثر غیرمستقیمی بر خشونت خانگی دارند. در نتیجه درباره متغیر اقتدار در راستای نظریات ویلیام گود، دارندورف تأیید می‌شود. نکته شایان توجه آنکه در شهر خرم آباد که بر اساس آمارهای موجود خشونت خانگی تبدیل به یک مسأله اجتماعی شده است، آموختن الگوهای رفتاری خشونت آمیز درونی می‌شود و کودکان در بزرگسالی آن‌را در خانواده فرزندزایی تکرار می‌کنند.

درباره متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر آن بر خشونت خانگی براساس نظریات ملوین تامین، رندل کالینز، همسو با پژوهش‌های گذشته بلایی میبیدی (۱۳۸۸)؛ احمدی (۱۳۸۵)؛ صابریان و همکاران (۱۳۸۳)، بگرضایی (۱۳۸۲)؛ پورنقاش و همکاران (۱۳۸۰)؛ آقاییگویی و آقاجانی (۱۳۸۱)؛ لهسایی زاده و مدنی (۱۳۸۹) به یک نتیجه رسیده‌اند. درباره نظریات پارسونز و ریمون بودن تفسیر نادرست از نقش در تحلیل رگرسیون این نظریه را تأیید می‌کند. درباره نظریه گرانباری نقش که به کشمکش و خشونت منجر می‌شود، به نظریات پارسونز و گافمن صحه می‌گذارد.

در این پژوهش خشونت خانگی علیه زنان بر اساس نظریات منابع، تضاد، جامعه‌پذیری جنسیتی، تئوری‌های نقش بررسی شد. اقتدار شوهر در خانه تأثیر زیادی بر خشونت خانگی



دارد. این نتیجه در پژوهش‌های مارابی و توکاس (۲۰۱۰) مشاهده می‌شود. بر اساس تئوری‌های نقش، آنچه که از نظریات پارسونز استنباط می‌شود، هر چه تفسیر نادرست از نقش بیشتر شود، فرد در فهمیدن و درک کردن نقش طرف مقابل دچار اشتباه می‌شود و این امر به بروز خشونت منجر می‌شود که در این پژوهش نتایج تحلیل رگرسیون آن را تأیید می‌کند. بر اساس نظریات نقش از پارسونز و گافمن، هر چه فرد نقش‌هایی بیشتر از توان خود بر عهده بگیرد، احتمال بروز کشمکش و خشونت افزایش می‌یابد که در نتایج تحلیل رگرسیون این پژوهش آمده است.

Archive of SID

منابع

- آبر اکرامبی، نیکلاس و همکاران (۱۳۷۴). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپ پخش.
- آقاییگویی، عباس، آقاجانی، کامران، (۱۳۸۱)، پدیده همسرآزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- احمدی، بتول (۱۳۸۵). تأثیر خشونت‌های خانگی بر سلامت روان زنان متأهل در تهران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتوی تحقیقات بهداشتی، شماره ۴.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده، تهران: سالی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، تهران
- اعزازی شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- امیر رستگار، خالد (۱۳۸۴). گسترش نقش زنان در جهت حمایت شغلی خانوادگی، مجله جامعه‌شناسی ایران، تهران، شماره ۴، دوره ششم.
- امیر مرادی، فرشته (۱۳۷۵) بررسی مشکلات جسمی روانی زنان مضروب تحت خشونت همسران مراجعه کننده به پزشکی قانونی شهر تهران. دانشکده مامایی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- آندره، میشل (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشگاه تهران.
- آندره، میشل (۱۳۷۲). جنبش اجتماعی زنان، ترجمه زنجانی زاده، مشهد.
- باندورا، آلبرت (۱۳۷۲). نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، شیراز: رهگشا.
- بگرضایی، پرویز (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت شوهران علیه زنان، مطالعه موردی شهر ایلام، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.



- بلایی میبیدی، فاطمه (۱۳۸۸). فراوانی خشونت علیه زنان توسط همسرانشان در شهر کرمان، مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی، سال ۱۵، شماره ۳.
- بودون، ریمون (۱۳۷۷). *منطق اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گر، تهران: جاویدان.
- بیرو، آلن (۱۳۷۷). *دایره المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- پورنقاش، سعید و همکاران (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه انواع خشونت خانوادگی در مردان و زنان تهران، مجله دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۳.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشر بندی و نابرابری اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر توتیا.
- حسامی، کژال، دولتیان، ماهرخ، شمس، جمال و علوی مجد، حمید (۱۳۸۹). خشونت خانگی در میان زنان در حین و قبل از بارداری، نشریه پرستاری ایران، دوره ۲۳، شماره ۶۳، تهران.
- حسینی، سید عباس، ظاهری، محمد مهدی، عباسی، محسن، سعیدی، حسین، حسینی، سید محمد و فتحی، مرضیه (۱۳۸۸). بررسی میزان بروز خشونت کلامی و فیزیکی از جانب بیماران و همراهان آن‌ها، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، دوره ۱۶، شماره ۶۷، تهران.
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۷۸). چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟ مجله زنان، سال هشتم، شماره ۵۶، تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- روش بلا و اسپنله - آن ماری (۱۳۷۲). *مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- ساعی، علی (۱۳۸۱). *تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم‌افزار windows*، تهران: کیهان.
- سام گیس، بنفشه (۱۳۷۷). چرا همسرانشان را آزار می‌دهند، فصلنامه زنان، شماره ۲۱، تهران.
- ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- صابریان، معصومه، آتش نفس، الهه و بهنام، بهناز (۱۳۸۳). بررسی میزان خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان سمنان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی

سمنان، جلد ۶، شماره ۲، ص ۱۱۵-۱۲۱.

- صالحی، ابراهیم (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان نسبت به زنان در مازندران، مجله علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم. زاهدان.
- صدرنوی، رامپور (۱۳۷۰). جامعه و فرد، مشهد: باستان.
- صدرنوی، رامپور (۱۳۸۴). گفتارهایی در علوم اجتماعی، مشهد: ۵۹.
- صدیق سروستانی، رحمت‌ا... (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سمت.
- طهماسبی، فرهاد (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی زنان شهر کوهدهشت و خرم‌آباد، استانداری لرستان
- غیائی و جوکار (۱۳۸۱). خلاصه مقالات اولیه همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- فروغان، مهشید (۱۳۸۰). بررسی خشونت در خانواده‌ها، تهران، کیهان، سال ۶۰، شماره ۱۷۹۲۵.
- فوروارد، سوزان (۱۳۷۷). مردان زن‌ستیز، ترجمه شیما نعمت‌الهی، تهران، انتشارات خجسته.
- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۳). طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ مرکز استان کشور، تهران
- گیویان، عبدالله (۱۳۸۹). گم‌گشتگی معنای خشونت در جامعه، ماهنامه حقوق و حقوق‌شناسی، شماره ۶۵.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، مدنی، یوسف (۱۳۸۹). گرایش شوهران به خشونت علیه همسران در شیراز، فصلنامه زن و جامعه، شماره ۱.
- لیاقت، غلامعلی (۱۳۸۴). خشونت علیه زنان در خانواده تحقیقی در تهران، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، شماره ۱.
- مارابی، محسن (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان کامیاران، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- میلر، چارلز (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.



نازیرو، بشیر (۱۳۷۶). بررسی موارد همسرآزاری (زن‌آزاری) فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی، دانشکده پزشکی تهران: دانشگاه تهران.

والاس، کلر و آبوت پاملا (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی تهران: نی.

منابع خارجی

- Al - Nasour - Mohammad (2009). *Domestic Violence against women in Jordan, Evidence from health clinics*.
- Blakes, Henry (1994). *Dictionary of law*. Sixth edition.
- Caetano, Raul (2009). Agreement on Reporting of physical, psychological and Sexual violence among white, Black and Hispanic in the united states: *Journal in interpersonal violence*.
- Bowling et al(2010). "Background Checks for Firearm Transfers, 2008," (Washington, DC: Bureau of Justice Statistics, 1, <http://bjs.ojp.usdoj.gov/content/pub/html/bcft/2008/bcft08st.pdf> (accessible September 29, 2011)
- Del Grande, Eleonora & Et al (2003). Demostic violence in south Australia: apopulation survey of males and females, Australia and Newzeland *Journal of public Health*.
- Eng, Sothy (2010). Domestic violence against women in Cambodia: Husbandscontrol Frequency of spousal Discussion and Domestic violence reported by combadian women, *J. Fam.* Vol 25.
- Fawole, Adenrian (2008). prevalence of violence against pregnant women in Abeokuta; Nigeria, Australian an Newzeland *journal of obstetrics and Gynaecology*.
- Hammoury, N, kahawaja, M (2009). Domestic violence against women duringpregnancy, the case of Palestinian Refugees attending antenatal clinic in Lebanon, *Journal of womens health*.
- Patricia Tjaden & Nancy Thoennes(2000). U.S. Dep't of Just., NCJ 181867, *Extent, Nature, and Consequences of Intimate Partner Violence*, at 26, available at <http://www.ojp.usdoj.gov/nij/pubs-sum/181867.htm>
- Tokuc, Brucu & etal (2010). Domestic violence Against Married women in Edrine, *Journal of interpersonal violence*, vol 25.
- Tolman, R (2000). A Review of Research on welfare and Domestic violence, *Journal of Social Issues*, vol 56.

نویسندگان

mmkhorasani@ferdowsi.um.ac.ir

دکتر محمد مظلوم خراسانی

دارای دکترای جامعه شناسی از آلمان و دانشیار جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد است علائق پژوهشی او جامعه شناسی توسعه، جامعه شناسی خانواده و مسائل اجتماعی ایران است و ایشان مقالات متعدد علمی - پژوهشی، دو کتاب تالیفی و دو کتاب ترجمه دارند.

مجتبی میرزائی مهر

کارشناس ارشد علوم اجتماعی

Archive of SID